

## مراتب دین‌داری در آموزه‌های قرآنی

محمدباقر آخوندی\*

### چکیده

در اکثر پژوهش‌هایی که به سنجش و ارزیابی دین‌داری در ایران پرداخته‌اند، از الگوهایی استفاده شده که در بستری غیر از فرهنگ آرمانی اسلام تهیه شده و مناسبت کمتری با معیارهای دین‌داری یک مسلمان دارند. بر این مبنا، پرسش این است که آیا بر اساس منابع دین، می‌توان الگویی قرآنی برای سنجش و ارزیابی دین‌داری فرد مسلمان ارائه کرد؟ با فرض وجود چنین امکانی، هدف این تحقیق، استخراج الگوی سنجش دین‌داری از قرآن مجید با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، تحلیل گفتمان و نظریه داده بنیاد است. نتایج نشان می‌دهد الگویی که با این روش به دست می‌آید، برخلاف الگوهای قبل از خود، دارای هفت مرتبه است: مرتبه اول، دین‌داری ظاهری. مرتبه دوم، دین‌داری بی‌ثبات. مرتبه سوم، دین‌داری تفصیلی. مرتبه چهارم، دین‌داری بی‌تردید. مرتبه پنجم، دین‌داری در تضاد. مرتبه ششم، دین‌داری خالصانه. مرتبه هفتم، دین‌داری الگوشده. این مراتب، قابل سنجش است که از ضعیف‌ترین تا قوی‌ترین مرتبه در پی هم قرار می‌گیرند. از این‌رو، ارتقا از مراتب پایین‌تر به بالاتر، با احراز شاخص‌های مرتبه بالا امکان‌پذیر است. توجه به سنجه مراتب دین‌داری، نشان داد که این الگو و سنجه مربوط به آن، از اعتبار و روایی بالایی در جامعه نمونه برخوردار است.

### کلیدواژه‌گان

قرآن، دین‌داری، مراتب دین‌داری، الگوی دین‌داری.



## مقدمه و طرح مسئله

اهمیت دین در جامعه، باعث شده طی سالیان گذشته تحقیقات گوناگونی جهت ارزیابی دین‌داری، در سطوح ملی و منطقه‌ای شکل گیرد. نتایج بخشی از پژوهش‌های صورت‌گرفته، دین‌داری را رو به ضعف (پژوهشکده ملی مطالعات جوانان، ۱۳۸۳؛ ربانی خوراسگانی و قاسمی، ۱۳۸۱؛ شکبیا، ۱۳۷۹) و بخشی آن را رو به قوت می‌دانند (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۸۸؛ احمدی، ۱۳۸۸). الگوی ارزیابی اکثر پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه، غیربومی و عمدتاً پرورش‌یافته در بستری مسیحی و یهودی‌اند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۶، ص ۴۷). تاکنون نگاه به این مدل‌ها، نگاهی عمومیت‌بخش بوده و با شرایط جامعه دینی و مبانی اسلام سازگار نشان داده شده‌اند (همان، ص ۴۰-۴۲؛ خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۵).

پرسش مقاله حاضر، این است که آیا می‌توان دین‌داری مؤمن به دین اسلام را مبتنی بر معیارهایی غیر از فرهنگ آرمانی اسلام ارزیابی کرد و نتیجه‌ای درست و قابل اتکا به دست آورد؟ ادعای حداقلی این مقاله، آن است که ارزیابی دین‌داری مؤمنان به هر دین، باید مبتنی بر معیارهایی صورت پذیرد که در چارچوب آنها، دین‌دار به شمار می‌آیند. به استناد همه شواهد تاریخی، دینی و فلسفی، ادعای حداکثری این مقاله، آن است که قرآن مجید آخرین و کامل‌ترین کتاب الهی است و همه آنچه پیامبران سلف برای بشر آورده بودند، یکجا در خود دارد. بر این اساس، معیاری که قرآن برای ارزیابی دین‌داری ارائه می‌کند، معیار ارزیابی همه دین‌داران، اعم از: مسلمان، مسیحی و یهودی است. بر مبنای آیه شریفه ۹ سوره‌الاسراء، «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...»، قرآن مجید مستقیم‌ترین، پابرجاترین و صاف‌ترین راه را در همه حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و باحکامیتی برای انسان فراهم می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۶۳؛ مکارم شیرازی، ج ۱۲، ص ۳۷). از این رو، هدف، هدایت انسان در جامعه است که طبق آیه یادشده، هدایت اقوم و نتیجه آن، رشد و تعالی جامعه انسانی (یونس: ۵۷) است. به همین دلیل، انسان بدون قید زمان، مکان، زبان، قوم و یا نژاد، مخاطب قرآن است (ر.ک: بقره: ۱۸۵) و هرآنچه در زندگی اجتماعی برای رشد و تعالی، به آن نیاز دارد، در آن گنجانده شده است. بنابراین، هدف این پژوهش به طور مشخص، عبارت از «کشف مراتب سنجش دین‌داری در قرآن» است. مبتنی بر این هدف، پرسش‌های زیر پی‌گیری خواهند شد:

۱. آیا دین‌داری در قرآن، دارای مراتب است؟

۲. در صورت مثبت بودن پاسخ، دین‌داری دارای چند مرتبه قابل سنجش است؟



۳. مراتب دین‌داری، چگونه الگوی دین‌داری را شکل می‌دهند؟

۴. اعتبار و روایی سنجه مراتب دین‌داری، در نمونه‌ای معرف چگونه است؟

### چارچوب مفهومی

دین در دیدگاه جامعه‌شناسانی مثل: آگوست کنت، امیل دورکیم و یا وبر، عمدتاً عامل انسجام، همبستگی، رشد‌دهنده شخصیت و جامعه و عاملی برای سلامت و سعادت انسان تلقی شده است. از نظر آنها، دین دارای ابعادی است که مبتنی بر آن، الگوهای مختلفی ارائه شده است. الگوی سنجش دین‌داری که آگوست کنت مطرح نمود، دارای ابعاد عقاید، عواطف و عمل است (آرون، ۱۳۷۰، ص ۱۱۶). الگوی مورد نظر دورکیم، دارای ابعاد عقیدتی، مناسکی و معاشرتی است (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۴۷-۴۸) که در بُعد عقیدتی و عمل، با الگوی کنت اشتراک دارد؛ ولی از آن، عواطف حذف شده و بُعد معاشرتی به آن اضافه گردیده است. الگوی لئوبا، دارای چهار بُعد: عقاید، عواطف، عمل و بُعد اجتماعی است که در آن، همه ابعاد الگوی کنت وجود دارد؛ ولی بُعد معاشرتی الگوی دورکیم، به بُعد اجتماعی تبدیل شده و بُعد عواطف، حذف شده است. الگوی لنسکی، مبتنی بر جهت‌گیری دینی (شامل راست‌کیشی و عبودیتی) و اهتمام گروهی (شامل معاشرتی و مشارکتی) است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۶، ص ۴۰-۴۲) که تفاوت ماهوی با الگوهای پیش‌گفته ندارد.

بنابراین، مهم‌ترین ابعاد دین که حداقل توسط یک صاحب‌نظر مطرح و در شرایط و نمونه‌های گوناگون، مورد سنجش قرار گرفته، عبارت‌اند از: عقاید یا باورها، عمل یا مناسک، بُعد اجتماعی، عواطف، علم یا شناخت، آیینی، تجربی، پیامدی، اخلاقی عمل کردن، مؤمن بودن، اهل عبادت بودن، متشرع بودن و التزام عملی به دین.

بر اساس دیدگاه مفسران قرآن، دین دستورعملی واقعی، حقیقی و منطبق با ابعاد وجودی انسان است که به منظور تعالی انسان و پس از تحقق در جامعه، به الگوهای اجتماعی، عینی، پایدار و منطبق با وحی تبدیل گردیده، همه جوانب زندگی انسان را کنترل نموده، او را از انحراف و کجی مصون می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۹۵؛ همان، ج ۳، ص ۱۹۷؛ ابن‌عربی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۸؛ حسن‌زاده‌آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۷). از این رو، دین به‌طورکامل در جامعه تحقق یافته، نمونه‌ای عینی و تجربی پیدا می‌کند که متن و عین دین است. در این دیدگاه، دین، نیاز بنیادی و اولیه انسان است



و همانند خداخواهی و خداجویی، فطری و در اعماق جان انسان ریشه دارد. به همین دلیل، انسان فقط با دین به رشد، تعالی و سعادت نایل می‌گردد. مبتنی بر این نظر، دین نیز دارای ابعادی قابل سنجش است که با ابعاد وجودی انسان مطابقت دارد. «ایمان» و «عمل صالح»، دو بُعد اساسی و اصلی دین‌داری محسوب می‌شوند که با همدیگر رابطه‌ای دوسویه دارند.

بر مبنای تفسیری که اکثر مفسران قرآن، به‌ویژه خواجه طوسی، از آیه ۳ سوره «والعصر» ارائه کرده‌اند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۰۸)، همه ابعاد مطرح‌شده فوق‌الذکر و مفروض دین، ذیل دو بُعد اخلاق نظری (ایمان) و اخلاق عملی (عمل صالح) طبقه‌بندی می‌شوند. ایمان، عبارت است از «تصدیق شیئی، آنچه‌آن‌که هست» (حسن‌زاده آملی، ۱۴۰۴، ص ۳۷۹)؛ به عبارت روشن‌تر، پس از حصول علم و باور، ایمان، تصدیق آن دو است. از این‌رو، دارای رتبه‌ای بالاتر از علم و باور است. ایمان، مرحله‌ای است که علم و باور را هم‌زمان در خود مستتر دارد. انسان با ایمان، انسان باورمند و دارای شناخت دینی نیز به حساب می‌آید. از این جهت، همه ابعاد نظری دین‌داری (عقاید یا باورها، علم یا شناخت، مؤمن بودن)، ذیل «ایمان» جای گرفته، قابل سنجش‌اند. دومین بُعد دین با استفاد از تفسیر سوره مزبور، «عمل صالح» است که عبارت است از: «رفتار بر مبنای ایمان». بنابراین، ایمان، مقدم بر عمل صالح می‌باشد. ایمان با هرنوع و شدتی، لزوماً در عمل ظاهر می‌گردد. از سویی دیگر، عمل صالح نیز ایمان را تقویت و توسعه می‌دهد. از این‌رو، رابطه آن دو با هم، رابطه‌ای دوسویه و لازم و ملزومی است. از دیگر سو، عمل صالح، دایره وسیعی را شامل می‌شود و همه اعمال، عواطف، احساسات، مناسک و هرچیزی را که در واقعیت خارجی ظاهر می‌گردد، شامل می‌شود. پس، تمام ابعاد عملی دین‌داری شامل: عمل یا مناسک، بُعد اجتماعی، تجربه دینی، عواطف، آیینی، پیامدی، اخلاقی عمل کردن، اهل عبادت بودن، متشرع بودن و التزام عملی به دین، ذیل عمل صالح، به عنوان دومین بُعد دین‌داری جای می‌گیرند. نکته مهمی که در دیدگاه مفسران قرآن وجود دارد و تقریباً در هیچ نظریه‌ای به آن اشاره نشده، مراتب دین‌داری است. در این دیدگاه، دین‌داری دارای هفت مرتبه قابل سنجش تجربی است. یکی از برجستگی‌های این پژوهش، بر سایر نظریات در پیشنهاد شاخص‌ها و نهایتاً سنججه‌های قابل اندازه‌گیری برای مراتب دین‌داری است.

## مراتب دین‌داری

در آیه ۱۹ سوره احقاف<sup>۱</sup> و آیه ۱۰ سوره فاطر<sup>۲</sup>، دین‌داری به شکل مراتبی معرفی شده است. همچنین، در آیه ۱۰۶ سوره یوسف: «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» و آیه ۴ سوره فتح: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ»، تأکید شده بعضی دین‌داران درحالی که مؤمن‌اند، مراتبی از شرک را نیز داریند؛ به نحوی که می‌توان ایمان آنها را از نظر ضعف و قوت درجه‌بندی کرد. بر این اساس، دین‌داری، سیال است و قابلیت رشد یا تنزل رتبه را دارد. از این رو، حقیقی ثابت و لایتغیر نیست تا بخشی از افراد جامعه به دلیل نوع کنش‌های اجتماعی، از محدوده آن خارج بمانند؛ بلکه حقیقی دارای مراتب است که همه افراد جامعه دینی را با دامنه کنش‌های متنوع دینی دربرمی‌گیرد. از این رو، دین‌داری دارای مراتبی است که در مراتب پایین، ایمان با ناخالصی همراه است؛ ولی به تدریج با رشد و ارتقای رتبه، از ناخالصی‌ها کاسته می‌شود. رتبه‌بندی دین‌داری، هم متناسب با ظرفیت شخصیتی و ادراکی افراد و هم متناسب با نوع، میزان و تنوع تأثیرپذیری از دین شکل می‌گیرد؛ مثلاً برخی مفسران، کلمه «مستضعفین» را در آیات قرآن مربوط به افراد و گروه‌هایی می‌دانند که در اثر کاستی‌های مختلف جسمی، روانی یا موانع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، حقیقت اسلام برایشان آشکار نشده و از گرایش بدان بازمانده‌اند و یا امکان پابندی به آن را نیافته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۵۱-۵۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۸۴-۱۸۸). پس، مراتب دین‌داری، قابل انکار نیست. مراتب دین‌داری را از دو منظر می‌توان توضیح داد:

### الف. مراتب دین‌داری با نگاه عام

از یک‌سو، مراتب دین‌داری مبتنی بر یکایک آیه‌های قرآن توضیح داده می‌شود که امکان سنجش تجربی آن وجود ندارد؛ اما از سوی دیگر، مراتب دین‌داری با نشانه‌هایی قابل مشاهده، تبیین می‌شود که می‌توان به صورت تجربی آن را اندازه گرفت. اگر بتوان به جنبه نخست مراتب دین‌داری نگاهی مختصر داشت، لازم است به دو روایت از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام علی عَلَيْهِ السَّلَام توجه نماییم. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «من شهر حکمت هستم.» در ادامه، «شهر حکمت» را

۱. «وَ لِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَ لِيُؤْفِقَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ.»

۲. «... إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...»

به بهشت ترجمه می‌نماید و خطاب به امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «ای علی! تو «باب» این بهشت هستی.» پیامبر در ادامه نیز می‌فرماید: «هرکسی قصد ورود به بهشت را داشته باشد، باید از «باب» آن که تو هستی، وارد شود؛ وگرنه ورود به آن امکان‌پذیر نیست.» قرآن نیز در ابتدای سوره یاسین، خود را حکیم می‌داند؛ «وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ». بر اساس تفسیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، «حکمت» عبارت از بهشت است. پس، مبتنی بر این تفسیر، قرآن، بهشت است که «باب» آن هم علی علیه السلام است؛ چون بر اساس ابتدای سوره یس، قرآن حکیم است و «حکمت»، بهشت است و پیامبر صلی الله علیه و آله، «شهر حکمت» است. در نتیجه، می‌توان گفت قرآن با پیامبر صلی الله علیه و آله اتحاد وجودی دارد. این موضوع، از سایر آیات و روایات نیز قابل استفاده است که علمای اسلامی از آن با این عبارت که «قرآن، صورت کتبی انسان کامل است»، یاد کرده‌اند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۸).

از این روایت و آیه شریفه می‌توان نتیجه گرفت که رسول‌الله صلی الله علیه و آله، آینه تمام‌نمای قرآن و به تعبیر امیر مؤمنان علیه السلام، «قرآن ناطق است»؛ به عبارت دیگر، دین و دین‌دار، با همدیگرند و این، همان تعریفی است که از دین در ابتدا ارائه شد. بر این اساس، هرکس به هر میزان حکیم (قرآن) باشد، به همان میزان، بهشت است. اگر فرد، عامل به آیات الهی شد، در حقیقت، به میزان عاملیت، خود قرآن خواهد شد. امیر مؤمنان علیه السلام در روایتی، درجات بهشت را به عدد آیات قرآن ذکر نموده است (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۲۸). بنابراین، هرکس به میزان عاملیت به آیات الهی، بهشت می‌گردد؛ اما از آنجاکه قرآن ۶۶۶۶ آیه دارد، آیا درجات بهشت هم همین مقدار است؟ در پاسخ باید گفت: قرآن را عوالم متعددی است که یک عالم آن، قرآن مکتوب است و ما آن را روی دست می‌گیریم و قرائت می‌کنیم؛ اما در حقیقت، «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنًا وَ لِبَطْنِهِ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۰۷)، یک آیه قرآن برای یک شخص، روزنه‌ای است و همان آیه، برای دیگری، دروازه‌ای و برای سومی، جهانی و برای چهارمی، جهان‌هایی؛ تا بینش و قابلیت و قوه هاضمه کسانی که در کنار این سفره نشسته‌اند، چه اندازه باشد. پس، همان‌گونه که خداوند سبحان غیرمتناهی است، آثار و کلمات او و کتاب او نیز غیرمتناهی است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۸). از آنجاکه دین‌داری از نظر قرآن بر مبنای تسلیم بودن همراه با یقین در برابر اراده الهی و عامل بودن به آیات قرآن تعریف می‌شود، میزان تسلیم بودن در برابر اراده تشریحی خدا، مراتب دین‌داری را مشخص می‌کند؛ به بیان دیگر، هرکس به هر میزان عامل به آیات قرآن گردد و تشبه به آنها پیدا نماید، به همان میزان دین‌دار است. از این‌رو، از این دیدگاه به

دلیل بی‌نهایت بودن بطون آیات قرآن، مراتب دین‌داری نیز نهایت ندارد.

### ب. مراتب قابل‌سنجش دین‌داری

بر اساس تحلیل محتوای کیفی، کُدگذاری و طبقه‌بندی بخشی از تفاسیر آیات که در ذیل می‌آید، می‌توان برای دین‌داری مراتب قابل اندازه‌گیری در نظر گرفت. گاهی رتبه‌بندی دین‌داری، مربوط به ظرفیت شخصیتی و ادراکی افراد و گاهی مربوط به نوع، میزان و تنوع تأثیرپذیری از پیام دین می‌شود؛ مثلاً برخی مفسران در تفسیر آیه‌هایی که در آنها کلمه «مستضعفین» به کار برده شده، معتقدند: این مفهوم، در بردارنده گروه‌هایی هستند که در اثر کاستی‌های مختلف جسمی، روانی یا موانع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، حقیقت اسلام برایشان آشکار نشده و از گرایش بدان بازمانده‌اند و یا امکان پایبندی به آن را نیافته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۵۱-۵۸؛ مکارم و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۸۴-۱۸۸).

در نمونه‌هایی دیگر و از جمله آیه ۱۰۶ سوره یوسف، بسیاری از مردم ایمانشان با مراتبی از «شُرک» (به معنای ناخالصی)، همراه است (سلیمی، ۱۳۸۸). در هر صورت، اینکه دین‌داری دارای مراتبی است، از آیات و روایات بسیاری استفاده می‌شود و قابل انکار نیست. نکته جالب در این موضوع، آن است که گوناگونی این مراتب و فاصله میان آنها، به حدی است که گاه افرادی که در یک مرتبه از مراتب دین‌داری قرار می‌گیرند، از درک مرتبه آنانی که در مراتب بالاتر یا پایین‌تر دین‌داری قرار گرفته‌اند، ناتوان می‌مانند و گاه رفتارها، گفتارها و حتی باورهای آنها را غیر دین‌دارانه می‌بینند (سلیمی، ۱۳۸۸). این موضوع، از احادیث نقل شده از معصومان علیهم‌السلام نیز قابل استفاده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱ و ۲، ص ۴۰۱؛ همان، ص ۴۲؛ همان، ج ۱، ص ۴۴-۴۵؛ همان، ج ۸، ص ۳۳۴، ح ۵۲۲؛ صدوق، ۱۴۰۳، ص ۳۵۴، ح ۳۵. برای تحلیل شارحان، ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۶، ص ۱۶۴-۱۶۷؛ همان، ص ۲۷۷-۲۸۱؛ فیض، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۱۲۹؛ مازندرانی، ۱۴۲۱، ج ۸، ص ۱۳۲-۱۳۷؛ همان، ج ۱۲، ص ۴۷۲). بنابراین، دین‌داری، دارای مراتبی غیرقابل انکار است؛ اما آنچه جای بررسی دارد، این است که آیا برای همه مراتب دین‌داری، شاخص‌ها و نشانه‌های قابل‌سنجش و ارزیابی در آیات قرآن پیدا می‌شود که در ادامه، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### مرتبۀ اول: دین داری ظاهری؛ «لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ»

با توجه به آیه ۱۴ سوره حجرات<sup>۱</sup>، ابتدایی ترین و اولین مرتبه دین داری، با اقرار به «شهادتین» تحقق می یابد. هرکس به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اسلام ﷺ اقرار کند، داخل در گروه مسلمانان شده، از تمام حقوق آنها در جامعه دینی، برخوردار می شود و کسی حقی تعرض به او را ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۵۶-۴۵۸؛ امام خمینی، ۱۳۸۴، ص ۳۲). دین داری در این مرتبه سطحی، متزلزل، ظاهری و مصلحتی است و به عبارت آیه شریفه مزبور، هنوز ایمان وارد قلب نشده است. به دلیل مصلحتی بودن و ظاهری بودن دین داری در این مرتبه، دین در فرایند جامعه پذیری، درونی نشده و به همین جهت، کسانی که در این مرتبه از دین داری قرار می گیرند، در معرض بروز هرگونه کجی و انحراف اند و دین داری شان نه تنها مصونیت بخش نیست که با احتمال بروز نفاق در این مرتبه، انحراف و کج رفتاری شخص نیز افزایش می یابد.

#### برخی شاخص های مرتبه اول دین داری

- شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اسلام ﷺ؛
- رعایت ظواهر دین در جامعه و نه لزوماً در زمان تنهایی؛
- خودداری از گناه علنی به تناسب فشارهای اجتماعی؛
- بروز رفتارهای منافقانه به تناسب فشارهای اجتماعی؛
- رعایت نکردن ظواهر دین در شرایط سخت و دشوار؛
- تسلیم نبودن قلب در برابر اراده الهی؛
- افزایش انحراف پنهانی به هنگام تشدید فشارهای اجتماعی.

### مرتبۀ دوم: دین داری بی ثبات؛ «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا»

در آیه ۱۰۶ سوره یوسف<sup>۲</sup> و آیه ۱۳۷ سوره نساء<sup>۳</sup>، از مؤمنانی سخن گفته شده که ایمانشان با «شرک» ممزوج است. به همین علت، بین ایمان و کفر در حال آمدوشدنند که حکایت دسته ای

۱. «قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَامَنَّا فَلَمْ نُوْمِنُوا وَ لَا كُنْ قَوْلُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ إِن تُطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا يَلِكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْءٌ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.»

۲. «وَ مَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَ هُمْ مُشْرِكُونَ.»

۳. «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَرَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَ لَا لِيُهْدِيَهُمْ سَبِيلًا.»



دیگر از مؤمنان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۵۱). در این مرتبه، ایمان وارد قلب می‌شود. به همین جهت، از شدت و تندی انحراف و گناه در مرتبه قبل، کاسته شده است؛ اما هنوز ایمان ضعیف و به ثبات نسبی نرسیده و دین‌دار دائماً در حال آمدوشد بین ایمان و کفر یا بین گناه و ثواب است. چنانچه در آمدوشد مزبور، ایمان تقویت گردد، به تدریج استحکام یافته، از احتمال انحراف و گناه کاسته شده، ارتقا مرتبه دین‌داری اتفاق می‌افتد؛ اما اگر در فرایند مزبور، جنبه گناه تقویت گردد، احتمال بروز انحراف فزونی یافته، به تدریج تنزل مرتبه دین‌داری حاصل می‌شود. در این مرتبه، کنترل‌های اجتماعی تأثیر بسیاری بر جلوگیری از بروز انحراف دارند؛ چراکه با تشدید آن، جرایم علنی و آشکار کاهش می‌یابد؛ هرچند جرایم غیرعلنی و پنهان افزایش خواهند یافت؛ چون با تشدید فشار اجتماعی، برخی راه نفاق را برای فرار از این فشار به کار می‌گیرند.

#### برخی شاخص‌های مرتبه دوم

- اقامه مستمر نماز؛
- پایبندی به روابط جنسی مشروع؛
- وفاداری به تعهدات و پیمان‌ها؛
- توکل به خدا در همه امور زندگی؛
- تکان خوردن قلب در زمان یاد نام خدا؛
- به شوق آمدن در زمان استماع آیات الهی؛
- روزه گرفتن؛
- پرداخت زکات (خمس، زکات، انفاق)؛
- ایمان به قیامت؛
- اصلاح گذشته خویش پس از توبه؛
- برقراری رابطه‌ای حمایتی و دوستانه با طبقات پایین جامعه؛
- احساس مسئولیت به خود و دیگران (نظارت اجتماعی)؛
- نگرانی و اضطراب دائمی از گرفتارشدن در عذاب الهی؛
- امانت‌داری؛
- قابل اعتماد بودن؛
- اقامه شهادت عادلانه، به‌جا و به‌موقع؛



- حساسیت داشتن به نام خدا؛

- خشیت در برابر خدا.

### مرتبه سوم: دین داری تفصیلی؛ «أَدْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً»

در این مرتبه، مؤمنان به اوامر و نواهی الهی به طور تفصیلی تسلیم می‌شوند. پایبندی تفصیلی به دین، نتیجه ثبات، استحکام و استقرار ایمان است که به تدریج حاصل می‌شود و بر اساس آیات ۱۸۳ سوره بقره<sup>۱</sup> و ۱۳۴ سوره آل عمران<sup>۲</sup>، ملکه تقوا شکل می‌گیرد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۹۶-۹۹؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۸۳۷؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۲، ص ۳۳۶؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۸۶؛ رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۳۶۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۶، ص ۲۷۱). در این مرتبه، به دلیل شکل‌گیری خودکنترلی که نتیجه درونی شدن دین است، از احتمال بروز انحراف و گناه کاسته می‌شود؛ ولی همچنان میزان جرایم و نفاق بسته به ضعف و قوت ایمان، در نوسان است. در این مرتبه، هنوز شک و تردید در دین، دامن دین‌دار را کاملاً رها نکرده، آمدوشد بین ایمان و کفر یا گناه و ثواب، گاه بروز می‌کند.

### برخی شاخص‌های مرتبه سوم

- انجام همه واجبات و ترک محرمات الهی؛

- شکل‌گیری ملکه تقوا در فرد با شاخص‌های زیر:

- ✓ انفاق در سختی و آسایش (در داشتن و نداشتن) زندگی از سرمایه‌های فیزیکی، مادی، اجتماعی و فرهنگی در اختیار؛
- ✓ فروبردن خشم و غضب خویش با اینکه قدرت بر اعمال آن را دارند؛
- ✓ گذشت از خطا و اشتباه سایر مؤمنان در حق خود؛
- ✓ راه ندادن کینه از مؤمنان در دل؛
- ✓ پاسخ دادن بدی‌ها و خطاهای مؤمنان، با نیکی و احسان؛
- ✓ در هنگام ارتکاب ناهنجاری و انحراف، «ذکر الهی» آنها را از انحراف دور

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.»

۲. «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.»

می‌کند؛

✓ عدم اصرار و پافشاری بر انحراف و ناهنجاری.

- در عین شکل‌گیری ملکه تقوا هنوز احتمال گناه وجود دارد؛

- احتمال شک و تردید در دین و احکام آن.

### مرتبۀ چهارم: دین‌داری بی‌تردید؛ «آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، ثُمَّ لَمْ يَزْتَابُوا»

آیه ۱۵ سوره حجرات<sup>۱</sup>، مرحله‌ای از دین‌داری را ذکر می‌کند که با استواری ایمان در قلب، مؤمن از بذل مال و جان خویش در راه خدا مضایقه نمی‌کند و به جای شک و تردید در دین، یقین جایگزین می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۲۱۳). همین معنا از آیات ۱۰ و ۱۱ سوره الصف قابل استفاده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۲۵۸). به دلیل حصول یقین و از میان رفتن شک و تردید، احتمال بروز گناه و انحراف به شدت کاهش یافته، فشار اجتماعی تأثیر چندانی در افزایش یا کاهش انحرافات ندارد؛ به عبارت روشن‌تر، با تقویت ایمان از طریق یقین، رفتارهای منافقانه نیز کاهش و صداقت جایگزین آن می‌گردد. در این مرتبه، جرایم به طور واقعی به صفر نزدیک شده، دین‌داری مصونیت‌بخش می‌شود.

### برخی شاخص‌های مرتبۀ چهارم دین‌داری

- تردید نکردن نسبت به ایمان به خدا و پیامبر ﷺ؛

- صداقت در ایمان به خدا و پیامبر ﷺ؛

- تردید نکردن در تسلیم بودن در برابر همه اوامر و نواهی خدا و رسول او؛

- تردید نکردن در پایبندی به واجبات و محرمات دین؛

- صداقت در پایبندی به واجبات و محرمات دین؛

- کوشش در بذل مال و جان برای پیش‌برد دین؛

- ایمان اول با ایمان دوم تقویت و تایید می‌گردد؛

- راست‌گوئی، حتی در صورت ضرر راست‌گوئی؛

۱. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَزْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ.»



- به حداقل رسیدن احتمال گناه و معصیت.

### مرتبۀ پنجم: دین داری در وقت تضاد؛ «وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»

در پنجمین مرتبه، مؤمن به تدریج در مرحله‌ای قرار می‌گیرد که در برابر هیچ حکمی از احکام الهی تردید نداشته، کاملاً تسلیم اوامر خدا و رسول او می‌گردد، هرچند آن حکم، علیه او باشد. در آیه ۵۹ سوره نساء<sup>۱</sup> و آیه ۷ سوره الحشر<sup>۲</sup>، مؤمنان را امر می‌کند که فرمان خدا، رسول و «اولی الامر» را اطاعت کنند. این امر به اطاعت، مقدمه‌ای است برای اینکه آنها اختلافات زندگی اجتماعی خویش را به خدا و رسول او ارجاع دهند؛ «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۶۱۸). البته در انتهای آیه، ارجاع اختلافات به خدا و رسول، شرط ایمان دانسته شده است؛ «إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» در آیه ۶۵ همان سوره، با سوگند «فَلَا وَرَبِّكَ» یادآور می‌شود که ایمان حاصل نمی‌شود، مگر آنکه داور اختلاف‌ها، پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار گیرد؛ «لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ» در ادامه آیه مزبور، ارجاع صرف اختلافات و تضادها، جهت دآوری به خدا و رسول او کافی دانسته نشده و مؤمنان باید از حکم رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد خود، احساس ناراحتی نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند؛ «ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا.» اختلاف و تضادی که باید به خدا و رسول ارجاع گردد، منحصر به اختلاف خاصی نیست و مطلق تضادها و اختلافات را شامل می‌شود (همان، ص ۶۲۰؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۹۸؛ قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۳۱۳؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۲۱۷؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۳۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۵۴؛ نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق، ج ۳، ص ۲۹۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۶۷؛ و دیگران).

بنابراین، با توجه به آیات ۶۴ و ۶۵ سوره نساء<sup>۳</sup>، اگر مؤمنان تسلیم حکم رسول‌الله شدند و از

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا.»
۲. «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَاللَّرَسُولِ وَلِلَّذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَإِذَا السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.»
۳. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا \* فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا.»

حکم او در مورد خویش ناراحت نگشتند، آن وقت دین‌دار واقعی‌اند. در این صورت است که به طور قطع تسلیم حکم خدایند. هر مؤمنی که به این مرحله از دین‌داری برسد، صفاتی در او پیدا می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارت است از: تسلیم شدن در برابر همه دستورات و مقدراتی که از ناحیه خدای تعالی به وی می‌رسد. چنین کسی، حالت اعتراض و چون و چرا، در برابر اوامر الهی به خود نمی‌گیرد؛ نه در زبان حرفی می‌گوید و نه در دل نق می‌زند. به همین جهت، در آیه ۶۵ سوره نساء «تَسْلِيماً» مطلق ذکر شده است و معنای آیه، عام است و شامل همه داوری‌های رسول خدا ﷺ و روش‌هایی که حضرت در زندگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، تبلیغاتی و یا شخصی خویش قرار داده بود، می‌شود. پس، دین‌داران حقیقی باید رفتار و روش سلوک اجتماعی سیاسی رسول‌الله را هر چند خوشایندشان هم نباشد، سیره و سلوک خود قرار دهند. مؤمنی که در این مرحله از دین‌داری قرار گرفته، نمی‌تواند هر چیزی که به خدا و رسول او ﷺ انتساب داشته باشد، رد نماید و یا به آن اعتراض کند و یا از آن اظهار خستگی کند و یا به وجهی از وجوه، از آن بدش آید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۵۴؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۶۴۶).

در آیه ۶۶ سوره نساء<sup>۱</sup>، برای نمونه دو شاخص قابل اندازه‌گیری برای این مرتبه از دین‌داری ارائه شده است؛ بدین ترتیب که اگر داوری خدا و رسولش بر این قرار گرفت که همدیگر را بکشید: «أَنْ أَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» و یا دیار خویش را ترک کنید: «أَوْ أَخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ»، نباید در زبان، عمل و دل از این داوری ناراحت شوند، آن را رد کنند، نق بزنند و یا احساس ناراحتی و خستگی کنند. بر اساس تعبیر جالب آیه ۵۱ سوره نور<sup>۲</sup>، دین‌داران در این مرتبه، به محض مطلع شدن از داوری خدا و رسول او، «إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ»، بدون چون و چرا می‌گویند: «أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا؛ شنیدیم و اطاعت کردیم.» جالب اینکه کلمه «إِنَّمَا» که در ابتدای آیه برای حصر آمده، مشخص می‌کند مؤمنان زمان مطلع شدن از داوری خدا و رسول او، جز این، سخنی ندارند و سر تا پایشان همین دو کلمه است.

۱. «وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ أَخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَ لَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَنبِيئًا.»

۲. «إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.»



بر اساس جمله پایانی آیه «وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»، تسلیم‌پذیری مؤمنان در برابر داوری خدا و رسول او، باعث می‌شود آنها رستگاران واقعی باشند و طبق آیه شریفه ۹ سوره یونس<sup>۱</sup>، آنها به سبب ایمانشان هدایت می‌شوند. هدایت به ایمان در مؤمنان، بدان معناست که آنها هرچه در برابر اراده الهی بیشتر تسلیم شوند، ایمانشان تقویت می‌گردد و تقویت ایمان، بر تسلیم بودن در برابر اراده الهی اثری دوچندان دارد. در حدیثی که از امام صادق علیه السلام در کتاب کافی و در تفسیر این آیه نقل شده، چنین می‌خوانیم: «اگر جمعیتی خدا را بپرستند، نماز را بپا دارند، زکات را بپردازند، روزه ماه رمضان و حج را به جا آورند، ولی به کارهایی که پیامبر صلی الله علیه و آله انجام داده، با سوء ظن بنگرند و یا بگویند: اگر او فلان کار را انجام نداده بود، بهتر بود، آنها در حقیقت، مؤمنان واقعی نیستند.» سپس، آیه فوق را امام علیه السلام تلاوت نمود: «... وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا.» بعد فرمود: «بر شما باد که در مقابل خدا و حق، همیشه تسلیم باشید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۵۶).

بنابراین، در پنجمین مرتبه، با افزایش درونی شدن دین، خودکنترلی تقویت و استحکام می‌یابد و احتمال بروز هرگونه گناه و انحراف به صفر نزدیک می‌شود؛ اما هنوز خطا و اشتباه احتمال بروز دارند؛ ولی با بروز هرخطایی برگشتی سریع همراه می‌شود؛ به گونه‌ای که به تدریج دین از زندگی فردی عبور و زندگی اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد. به عبارت روشن‌تر، دین‌دار در این مرتبه، علاوه بر دین‌داری در صحنه زندگی شخصی، در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز دین‌دار است و کمتر دچار تزلزل می‌شود (آخوندی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۷).

### برخی شاخص‌های مرتبه پنجم

- ارجاع همه اختلافات و تضادهای سیاسی، جهت‌داری، به خدا و رسول او؛
- ناراحت نشدن، رد نکردن، نق زدن، احساس ناراحتی و خستگی نکردن و... در زبان، عمل و دل، از داوری خدا و رسول او، درباره اختلافات و تضادهای سیاسی؛
- ارجاع همه اختلافات و تضادهای اقتصادی و مالی، جهت‌داری، به خدا و رسول او؛
- ارجاع همه اختلافات و تضادهای فرهنگی و تبلیغاتی، جهت‌داری، به خدا و رسول او؛
- ارجاع همه اختلافات و تضادهای آموزشی و تربیتی، جهت‌داری، به خدا و رسول او؛
- تسلیم شدن محض در عمل، در برابر داوری و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و اجرای دقیق آن؛ «و

۱. «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ.»

يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا».

### مرتبۀ ششم: دین داری خالصانه؛ «أَسَلَّمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ»

حضرت ابراهیم علیه السلام، مؤمنی بود که از آزمون‌های متعدد از جمله ذبح فرزند جوان خود (آیه ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره الصافات<sup>۱</sup>) و ترک دیار خویش (آیه ۳۷ سوره ابراهیم<sup>۲</sup>)، سربلند بیرون آمد. حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از آن در اواخر عمر و زمان تجدید بنای کعبه، از خدا درخواست اسلام می‌کند.<sup>۳</sup> اسلام مورد درخواست حضرت ابراهیم علیه السلام، چیزی بود که قبلاً آن را نداشت و با اختیار خود نیز نمی‌توانست بدان دست یابد. طبق آیه ۱۳۰ سوره بقره<sup>۴</sup>، پس از آنکه او دین اسلام را به دست آورد، مقام «اصطفاء» نیز به او داده شد. «اصطفاء»، به معنای چکیده و خالص هرچیز (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۵۲)؛ برگزیده شدن (طبرسی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۶۴۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۶۰) و صافی و خلوص (طبرسی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۶۴۵) است. بنابراین، «اصطفاء»، مرتبه‌ای است که دین‌دار در تمام زندگی به مقتضای مملوکیّت و عبودیت رفتار کند و تسلیم صرف باشد. مقام «اصطفاء» در آیه ۱۳۰ سوره بقره، عیناً مقام اسلام در آیه ۱۳۱ سوره بقره<sup>۵</sup> است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۵۳). بر این مبنا، خلوص، باعث «برگزیده» شدن می‌شود که در آیات ۱ تا ۳ سوره المؤمنون<sup>۶</sup> نیز تأکید شده است. بر اساس آیات مزبور، در این مرتبه، «اقامه نماز» نشانه مؤمن نیست؛ بلکه «خشوع» در آن، شاخص ایمان به شمار می‌آید؛ «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ». «خشوع»، حالتی درونی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۹۴؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۵)، تواضع و فروتنی (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۷، ص ۳۱)، مستولی شدن خشیت و

۲۱



مراتب دین داری در آموزه‌های قرآنی

۱. «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَابُنِّيْ اِنِّىْ اَرَى فِى الْمَنَامِ اَنْىْ اَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَا ذَا تَرَى قَالَ يَا بَتِ افْعَلْ مَا تُوْمَرُ سَتَجِدُنِيْ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ مِنَ الصّٰبِرِيْنَ \* فَلَمَّا اَسْلَمَا وَ تَلَّهٖ لِجَبِيْنِ».

۲. «رَبَّنَا اِنِّىْ اَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِيْ بُوَادِ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لَتَجِيْعُنَا الصَّلٰوةَ فَاَجْعَلْ اَفْنَدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوٰى اِلَيْهِمْ وَاَرْزُقْهُمْ مِّنَ السَّمَرٰتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُوْنَ».

۳. «رَبَّنَا وَاَجْعَلْنَا مُسْلِمِيْنَ لَكَ وَاِنْ ذُرِّيَّتُنَا اُمَّةٌ مُّسْلِمَةٌ لَّكَ وَاَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ» (بقره: ۱۲۸).

۴. «وَمَنْ يَرْعُبْ عَنْ مِلَّةِ اِبْرٰهِيْمَ اِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَا فِي الدُّنْيَا وَاِنَّهٗ فِي الْاٰخِرَةِ لِمِنَ الصّٰلِحِيْنَ».

۵. «اِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ اَسْلِمْ قَالَ اَسَلَّمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِيْنَ».

۶. «فَدَفَّلَحَ الْمُؤْمِنُوْنَ \* الَّذِيْنَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ \* وَ الَّذِيْنَ هُمْ عَنِ اللّٰغُوْ مُعْرِضُونَ».



هیبت است که در قلب ایجاد می‌گردد و توجه را فقط معطوف به خدا می‌کند؛ به گونه‌ای که تأثیر آن مستقیماً در اعضا و جوارح ظاهر می‌شود.

### برخی شاخص‌های مرتبه ششم دین‌داری

- خلوص و صفای اعمال، گفتار، کارها، تصورات و پنداشت‌ها در همه شئون زندگی؛
- تسلیم بودن در همه شئون زندگی، در برابر اوامر و نواهی خدا و رسول او؛
- خشوع در نماز در هر شرایطی؛
- اعراض از اعمال و رفتارهای لغو؛
- اعراض از گفتارهای لغو؛
- اعراض از تصورات و پنداشت‌های لغو؛
- بلندی همت در همه شئون زندگی.

۲۲



سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۹۹

### مرتبه هفتم: دین‌داری الگوشده (الگوی تجربی دین)؛ «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَخَوْفُ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ»

به تدریج با تقویت ایمان، فرد از مرحله ششم نیز عبور کرده، در آخرین مرتبه دین‌داری، همه دین در او جلوه می‌یابد و معیار تجربی و عینی سنجش دین‌داری می‌شود. بر اساس آیه ۶۲ سوره یونس، «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَخَوْفُ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»، در این مرتبه، مؤمن در هیچ موضوع دنیایی و آخرتی ترس، اضطراب و وحشتی به خود راه نمی‌دهد و کاملاً تسلیم و راضی به خواست و اراده خداست. از این رو، در این مرتبه، همه دین درونی می‌شود و بر دین‌دار منطبق می‌گردد. بر این مبنا، الگوی عینی و تجربی دین در همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و شخصی و شخصیتی که از سومین مرتبه آغاز و در مراتب بعدی ادامه یافته بود، به صورت تجربی شکل گرفته، ظاهر می‌شود. دین‌دار در این مرتبه، همان الگو و معیار دین است که همه احساسات، عواطف، اعمال، افکار و گفتار او، منطبق با دین است. از این رو، کسانی که در مراتب پایین‌تر قرار دارند، می‌توانند او را به عنوان معیار دین مد نظر قرار داده، احساسات، عواطف، اعمال و رفتار او را منطبق با دین دانسته، مطابق آن عمل کنند (آخوندی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۳).

این مرتبه از دین‌داری، مرتبه‌ای است که حضرت ابراهیم علیه السلام در سن کهولت و پس از سربلند شدن از آزمون‌های گوناگون و سخت، به آن نایل شد. کسی که به این مرتبه از دین‌داری دست



می‌یابد، الگوی عینی و تجربی دین گشته، دیگران می‌توانند عمل، احساسات، عواطف و همه زندگی شخصی و اجتماعی او را مبنای عمل خویش قرار دهند و از دین‌داری خود نیز مطمئن باشند.<sup>۱</sup> در آخرین مرتبه دین‌داری، دین و دین‌دار بر هم منطبق می‌شود و الگوهای اجتماعی دین که از سومین مرتبه آغاز و در مراتب بعدی ادامه یافته بود، به صورت عینی و تجربی شکل گرفته، ظاهر می‌گردد.

### برخی شاخص‌های مرتبه هفتم دین‌داری

- نداشتن ترس، اضطراب و اندوه در برابر حوادث طبیعی مثل سیل، زلزله و...؛
- راضی، مطمئن و تسلیم بودن در برابر امر خدا هنگام سختی و آسایش؛
- نداشتن ترس، اضطراب و اندوه در برابر از دست دادن پول و ثروت خویش؛
- نداشتن ترس، اضطراب و اندوه در برابر از دست دادن بستگان و اطرافیان خود؛
- نداشتن ترس، اضطراب و اندوه در برابر از دست دادن آب و منزلت اجتماعی خویش؛
- راضی و مطمئن بودن در برابر از دست دادن آب و منزلت اجتماعی خود؛
- نداشتن ترس، اضطراب و اندوه در برابر دوری از خانواده و دوستان خویش؛
- راضی، مطمئن و تسلیم بودن در برابر امر خدا هنگام داشتن یا نداشتن خانواده و دوست؛
- راضی، مطمئن و تسلیم بودن در برابر امر خدا به وقت مرگ و زندگی؛
- نداشتن ترس، اضطراب و اندوه در برابر مریضی و کسالت خود و خانواده خویش؛
- نداشتن ترس، اضطراب و اندوه در برابر جنگ‌ها، ناهنجاری‌ها و انحرافات؛
- نداشتن ترس و اضطراب در برابر قدرتمندان، ثروتمندان و زورگویان؛
- تسلیم و مطمئن بودن در برابر اراده الهی؛
- نداشتن ترس، اضطراب و وحشت از هیچ‌یک از امور دنیایی.

### نتیجه

الگوی سنجش مراتب دین‌داری، بر دو بُعد ذاتی انسان (نفس و بدن) استوار گردیده است. نفس

۱. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا.» (احزاب: ۲۱)؛ «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ...» (ممتحنه: ۶).



با علم، و بدن با عمل شکل گرفته و رشد می‌کنند. از این رو، مشخصه نفس، علم و مشخصه بدن، عمل است. در عین حال، نفس و بدن دو حقیقت جدای از همدیگر نیستند بلکه دارای وحدت حقیقی‌اند و دو سر یک واقعیت را شکل می‌دهند. دین‌داری هم دقیقاً بر همین پایه بنا گردیده، دارای دو بعد ایمان و عمل صالح است. دین‌داری اگر مستمراً با ایمان و عمل صالح همراه باشد، مؤمن مورد نظر دین شکل می‌گیرد. بر این مبنا مؤمن کسی است که علم و باور دینی را تصدیق و براساس آن، عمل می‌کند. دین‌داری با یک نگاه، دارای مراتبی بی‌نهایت (به درجات آیات قرآن) و با نگاهی تقلیل‌گرایانه دارای هفت مرتبه تجربی و قابل سنجش زیراست: مرتبه اول: دین‌داری ظاهری؛ مرتبه دوم: دین‌داری بی‌ثبات؛ مرتبه سوم: دین‌داری تفصیلی؛ مرتبه چهارم: دین‌داری بی‌تردید؛ مرتبه پنجم: دین‌داری در تضاد؛ مرتبه ششم: دین‌داری خالصانه محض؛ مرتبه هفتم: دین‌داری الگو شده (الگوی عینی و تجربی دین).

### کتابنامه

قرآن مجید.

۱. احمدی، یعقوب، ۱۳۸۸، «وضعیت دین‌داری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها؛ مطالعه موردی: شهر سنندج»، فصل‌نامه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال اول، شماره اول.
۲. استراس و کوربین، ۱۳۸۷، اصول روش تحقیق کیفی نظریه‌مبنایی، ترجمه: محمدی بیوک، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. استیون، سیدمن، ۱۳۸۶، کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، ترجمه: جلیلی، نشرنی.
۴. آخوندی، محمدباقر، ۱۳۹۲، «جامعه‌شناسی الگوی سنجش مراتب دین‌داری ایرانیان - مسلمان»، مرکز تحصیلات دانشگاه پیام نور، رساله دکتری.
۵. آرون، ریمون، ۱۳۷۰، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه: باقر پرهام، شرکت سهامی انتشار.
۶. بلیکی، نورمن، ۱۳۸۷، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه: حسن چاوشیان، نشرنی.
۷. پیمایش ملی، ۱۳۷۷، پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تحقیق آزاد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. پیمایش ملی، ۱۳۸۲، پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تحقیق آزاد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۹. ترجمه تفسیر طبری، ۱۳۵۶، چاپ دوم، تهران، انتشارات توس.
۱۰. حبیب‌زاده، رامین، ۱۳۸۴، «بررسی انواع دین‌داری در بین دانشجویان دانشگاه تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۱. حسن‌زاده آملی، حسن، ۱۳۸۱، انسان و قرآن، قم، انتشارات قیام.
۱۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۰، عیون مسائل نفس و شرح آن، قم، انتشارات قیام.
۱۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۶، متأثر آثار، تدوین: داوود صمدی آملی، انتشارات الف. لام. میم.
۱۴. خدایاری‌فرد، محمد، ۱۳۸۸، آماده‌سازی مقیاس دین‌داری و ارزیابی دین‌داری اقشار مختلف جامعه ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. دورکیم، امیل، ۱۳۷۳، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه: علی محمدکاردان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۳، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه: باقر پرهام، چاپ سوم، نشر مرکز.
۱۷. ربانی خوراسگانی، علی، ۱۳۸۱، «نگرش مردم شهر اصفهان در مورد آسیب‌های نظام اجتماعی ایران»، جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۳.
۱۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۳، «بررسی رابطه میزان دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۹. سودخواه، محمدباقر، ۱۳۸۶، بررسی احساس امنیت در مردم مشهد، تحقیق منتشر نشده.
۲۰. شریف لاهیجی، محمدبن علی، ۱۳۷۳، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر داد.
۲۱. شجاعی‌زند، علیرضا، ۱۳۸۴، «مدلی برای سنجش مراتب دین‌داری در ایران»، جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱.
۲۲. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۶، بررسی امکان همزیستی دین و مدرنیته، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰.
۲۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۸، تبارشناسی تجربه دینی در مطالعات دین‌داری، فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۶.
۲۴. شکبیا، عباس، ۱۳۷۹، «بررسی رفتارهای مذهبی در مردم تهران»، مرکز تحقیقات و مطالعات ریاست جمهوری.
۲۵. شیخ صدوق، ۱۴۰۰ق، أمالی، چاپ پنجم، بیروت، نشر اعلمی.



۲۶. \_\_\_\_\_، ۱۴۰۴ق، من لا يحضره الفقيه، چاپ دوم، قم، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۷. صدیق سروسستانی، رحمت الله، ۱۳۷۹، «فرا تحلیل مطالعات انجام شده در حوزه آسیب شناسی اجتماعی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۵.
۲۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، آسیب شناسی اجتماعی، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
۲۹. طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۲، پرتوی از قرآن، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۳۰. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۳۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۷، تفسیر جوامع الجامع، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۵ق، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۵. طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۸۷، اُطیبُ البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام.
۳۶. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، تفسیر مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۷. فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ق، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعة والنشر.
۳۸. فوکویاما، فرانسیس، ۱۳۷۹، پایان نظم، ترجمه: غلام عباس توسلی، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان.
۳۹. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، تفسیر فیض کاشانی، تهران، انتشارات الصدر.
۴۰. قزانتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
۴۱. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱، واژه شناسی قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیة.



۴۲. فلیک، اووه، ۱۳۸۷، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی، نشر نی.
۴۳. کاشانی، ملا فتح‌الله، ۱۳۳۶، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، کتاب‌فروشی محمدحسن علمی.
۴۴. گنجی، محمد، ۱۳۸۱، بررسی گرایش‌های دینی دانشجویان شهر اصفهان، اصفهان، جهاد دانشگاهی.
۴۵. نجفی خمینی، محمدجواد، ۱۳۹۸ق، تفسیر آسان، انتشارات اسلامیة.
۴۶. مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ق، تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتاب الاسلامیة.
۴۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲۳، تهران، اسلامیة.
۴۸. مدرسی، سید محمدتقی، ۱۴۱۹ق، من هدی القرآن، چاپ اول، تهران، دار محب‌الحسین.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۵۰. وبر، ماکس، ۱۳۷۱، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری، ترجمه: عبدالمعبود انصاری، تهران، انتشارات سمت.
۵۱. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۴، اقتصاد و جامعه، ترجمه: منوچهری، ترابی‌نژاد و عمادزاده، تهران، انتشارات مولی.
۵۲. ابن‌ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین، ۱۴۰۵ق، عوالي اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، محقق / مصحح: عراقی، مجتبی، چاپ اول، قم، دار سید الشهداء للنشر.



### Levels of Religiosity in Qur'anic Teachings

Mohammad Baqer Akhundi \*

#### Abstract

In most studies that have measured and evaluated religiosity in Iran, models have been used that are prepared in a context other than the ideal culture of Islam and are less relevant to the criteria of religiosity of a Muslim. In this regard, the question is whether, based on the sources of religion, it is possible to provide a Qur'anic model for measuring and evaluating the religiosity of a Muslim? Assuming the existence of such a possibility, this study aims to extract a model for measuring religiosity from the Holy Qur'an using qualitative content analysis, discourse analysis and foundation data theory. The findings suggest that the model obtained by this method, unlike its previous models, has seven levels: First Level, apparent religiosity. Second, unstable religiosity. Third, detailed religiosity. Fourth, undoubted religiosity. Fifth, religiosity in conflict. Sixth, sincere religiosity and the last level is patterned religiosity. These levels are measurable, ranging from the weakest to the strongest. Therefore, upgrading from lower to higher levels is possible by achieving high-level indicators. Considering the evaluation of the levels of religiosity, showed that this model and related criteria have a high validity and reliability in the sample society.

#### Keywords

The Qur'an, religiosity, levels of religiosity, model of religiosity.

---

\* Assistant professor of University of Birjand, akhondi@birjand.ac.ir